

## مکان‌مندی ذهنیت فرزندان از نقش پدری در خانه

مسعود ناری قمی<sup>۱</sup>، محمد جواد عباس‌زاده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>دکتری معماری، مدرس دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

<sup>۲</sup>کارشناسی ارشد معماری داخلی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۲/۲۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۱۲/۲۲)

### چکیده

بررسی مکان‌مندی نقش‌های خانوادگی، نخستین گام اساسی برای تثبیت الگوهای رفتاری مبنایی خانواده، در طراحی است؛ ادبیات رایج تحلیل اجتماعی خانه، نشانگر وجود نوعی معارضة با نقش‌های اصلی خانوادگی (پدری و مادری) بواسطه رشد ادبیات فمینیستی مسکن و پیشینه چپ‌گرای علوم اجتماعی است. لذا در جامعه اسلامی ایران، نیاز به رویکرد دیگری برای تحقق نقش‌های خانوادگی محسوس است. در این پیمایش، برخی رفتارهای رایج مرتبط با نقش پدری در جامعه انتخاب و میزان وقوع مکانمند آنها در ذهنیت مخاطبان بررسی گردید. این فعالیت‌ها چهار رده را شامل می‌شود: الگوهای رفتار - حضور فردی، الگوهای دونفره، الگوهای خانوادگی و الگوهای جمع خانواده و غریبه‌ها (مهمان). در هر رده، بین ۴ تا ۱۱ فعالیت - حضور شناسایی شده است که پس از سنجش کمی نسبت آن با ذهنیت، در سنجش کیفی، برخی الگوهای مهم بدست آمده در سنجش کمی، به صورت تفصیلی‌تری بررسی شده است. آزمون کمی، نشان دهنده «جمع‌گرایی» و «آیینی» بودن این تصویر ذهنی است که الگویی کاملاً متضاد با تحلیل دوقطبی زن - مرد در ادبیات رایج است؛ حاشیه‌های مهم فضاهای جمعی و کانون‌های کناری، بیشترین ذهنیت‌بخشی را برای فرزندان داشته است. تأکید بر کشف سازماندهی و بازطراحی این نقاط فضایی، می‌تواند گام‌های مهمی برای معماری تقویت‌کننده نقش بنیادی پدر در خانواده باشد.

### واژه‌های کلیدی

مکان‌مندی، پدر خانواده، الگوی حضور، نقش اعضا.

## مقدمه

به آزادارمکی، ۱۳۹۲، فصل چهارم) در کنار مواردی چون حضور طولانی مدت فرزندان در مدرسه و بیرون خانه، انتقال الگوهای رفتاری روانی پدر را دشوار کرده است.

در آن سوی موضوع و در حوزه طراحی نیز، عدم توجه معماران به نقش معماری در انتقال الگوهای فرهنگی بواسطه کالبد، معضلی بارز است. جو حاکم بر آموزشده‌های معماری و گرایش‌های هنری و فرمی، نوعی مقاومت را در مقابل پرداختن به مباحثی از این دست در طرح‌های معماری پدید آورده که مختص ایران هم نیست (گروت و وانگ، ۱۳۸۴، ۳-۱۰۲). بعلاوه محیط حرفه‌ای معماری نیز در سالیان اخیر با موضوع به عنوان یک امر زاید برخورد کرده است؛ بررسی میدانی نگارنده اول در مورد نگاه مهندسان معماری در نظام مهندسی قم، به عنوان نمونه موردی این امر را به خوبی نشان می‌دهد (ناری قمی، ۱۳۹۳، ۶۴-۵۵)؛ در حوزه عملی و آنجا که با زندگی واقعی مردم سرو کار دارد، «مسأله طراحی» بدون بررسی صریح و با مفروضاتی ضمنی در حداقل خود تعریف می‌شود. لذا در طرح‌های مسکونی کوچک مقیاس و حوزه نظام مهندسی در ایران، دستور کار مسکن تنها در تعداد طبقات و اسکلت و قواعد شهرداری خلاصه می‌شود و برنامه‌ریزی مسکن تنها با دانستن تعداد اتاق خواب‌ها (بدون آنکه تعریف روشنی از همین اصطلاح هم در فرهنگ مسکونی، موجود باشد)، به پایان می‌رسد (قاسم زاده، ۱۳۸۹، ۶)؛ بعلاوه در مورد معماران مشهور ایران نیز، رجوع به بررسی ندیمی و شریعت‌راد (۱۳۹۱، ۱۲) و نیز گزارش زرکش (۱۳۸۸، ۷-۳۶) در مورد عوامل مؤثر بر طراحی بناهای خصوصی ایران، گواه دیگری بر این مدعا است.

با توجه به ضرورت دوسویه موجود برای ورود به این موضوع، در این نوشتار، نخست با مروری بر ادبیات نظری انسان - محیط، به جستجوی تحلیل‌های موجود درباره تعامل نقش «پدر» و کالبد خانه پرداخته می‌شود؛ سپس چارچوبی برای پژوهش در مورد تداعیات کالبدی نقش «پدر» پیشنهاد و مطالعه موردی درباره آن ارایه و نتایج آن تحلیل می‌گردد. ماحصل این نوشتار، مدخلی است بر ورود به عرصه تحلیل نسبت کالبد خانه با تثبیت نقش‌های خانوادگی و آموزش آنها که در نتیجه‌گیری به آن اشاره خواهد شد.

رابطه معماری و نظام کالبدی با تثبیت و تولید نقش‌های اجتماعی، از موضوعاتی است که بجز برخی جنبه‌های شاخص آن، کمتر مورد تحلیل جدی واقع شده است؛ در حالی که این موضوع از اهم روابط فرهنگ و معماری در تاریخ بوده است. در واقع از سه نقش انسان‌شناسانه اصلی که «توان» (انسان‌شناس فرهنگی مشهور معاصر) برای معماری قایل شده است. یعنی: انگیزش‌های روانی، تنظیم رفتار و آموزش فرهنگی (، Tuan, 2007, 8-77). دو نقش آخر اصالتاً با این موضوع ارتباط می‌یابد. در این مورد تثبیت و آموزش نقش «پدر» با ابزار مختلف فرهنگی، از جمله نظام کالبدی، موضوعی است که از چندین حیث حایز توجه ویژه است؛ نخست آنکه در فرهنگ اسلام تمام مسئولیت نقش مقابل (یعنی فرزند) بر پایه این نقش قرار داده شده است؛ به بیان امام رضا (علیه السلام): «فرزند در فرموده حق تعالی بخشیده شده به پدر معرفی شده، خداوند فرموده *يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ اِنَاثًا وَّ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَوْرَ* (خدا به هر کسی که بخواهد مؤنث بخشیده و به آن کس که دوست داشته باشد مذکر هبه می‌کند) و بدیهی است وقتی خود فرزند بخشیده شده به پدر باشد، مالش به طریق اولی موهوب او محسوب می‌گردد. از این گذشته پدر مسئول مؤنث فرزند است در حال صغر و کبر و از این نظر مورد مواخذه واقع می‌شود چنانچه فرزند را به او نسبت داده...» (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ۵-۶۷۳)، شناخت این جایگاه هم برای پذیرندگان نقش و هم برای نقش مقابل، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ دیگر آنکه در روزگار معاصر، تغییر ساختار خانواده از خانواده گسترده که در آن چندین «پدر» با سنین و مراتب مختلف در پیش چشمان فرزندان پسر (پدران آینده) بود و لذا آموزش ضمنی نقش، کاملاً محتمل بود، به خانواده‌های هسته‌ای (در گونه‌های متفاوت - بهنام، ۱۳۸۳، ۱۹۲) و حتی الگوهای زیست بدون خانواده رسمی، آموزش فرهنگی نقش را کاملاً با مخاطره مواجه کرده است؛ عدم ورود یا ورود دیرهنگام مردان به عرصه این نقش بر اثر بالارفتن سن ازدواج، افزایش نرخ طلاق، کاهش بُعد خانوار، آزادی انتخاب همسر، مشارکت بیشتر زنان در حوزه سیاسی و همچنین امکان ورود زنان در آموزش و مشاغل جدید (نگاه کنید

## ۱- فضای خانه و حضور مردان

1-2) (تصویر ۱). این تغییر، مقارن است با رویکرد مجدد مردان غربی به نقش پدری و رابطه با فرزند؛ مدل این رابطه، چنانکه تحقیقات نشان می‌دهد، همچنان به سمت پدر به مثابه نان‌آور خانواده گرایش دارد و این امر بواسطه تثبیت هویت مردانه، برای آنان با ارزش است؛ بنابراین ایده تساوی کار خانگی و حضور خانگی زن و مرد که همراه با مدرنیته، پیش رفته است، به نوعی

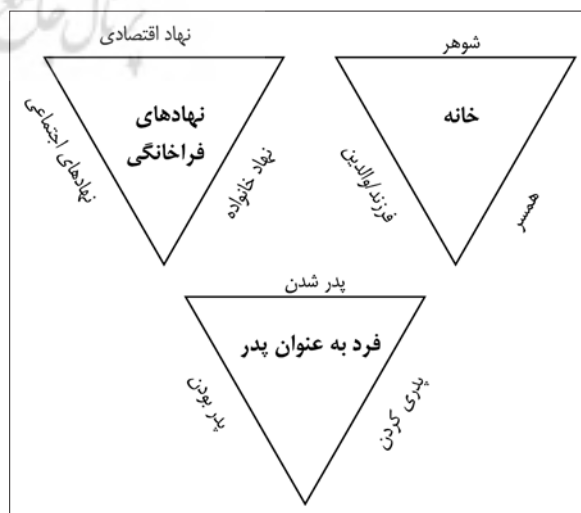
در حوزه علوم اجتماعی، مطالعات خانواده در غرب، بعد از چندین دهه حاکمیت رویکردهای زن‌سالارانه، نیم‌نگاهی را به نقش پدری نشان می‌دهد (Seward and Stanley-Ste-vens, 2014, 459)؛ این در حالی است که پیش از این، بحران مسئولیت‌پذیری نقش پدری از سوی مردان از سوی محققین جوامع صنعتی گوشزد شده بود (Hobson and Morgan, 2004).

به عنوان یک پدیده جدید در خانه مورد توجه قرار گرفته بود و لوکوربوزیه، صومعه‌های تک‌نفره پراکنده در فرانسه را به عنوان الگو و سلول مولد خانه معرفی کرد و موندریان از آن با پیشنهاد سلول به عنوان واحد مولد خانه، خیابان و شهر در مقابل دستیل دفاع کرد (Overy, 1997, 119-120). لذا تحلیل‌های مورد بحث از مردانه بودن نخستین واحدهای فردی در خانه (به عنوان فضای جمعی اصیل) با پذیرفتن پیش فرض اصالت سلول در تولید فضای خانه به عنوان پدیده مدرنی که زنان بدو از آن محروم بوده‌اند، قابل طرح شده است. روزنر (2004، فصل ۴)، این تغییر را با تغییر اجتماعی جامعه بورژوازی دوران صنعتی مرتبط می‌داند که در آن مردها از خارج خانه وارد خانه شدند و سعی کردند آنجا را به مرکز تحکیم قدرت خود در عرصه خانواده تبدیل کنند و دیالکتیک تقابل مردان و زنان نهایتاً آن را به اتاق کتابخانه (که دیگر فردی نبود) و یا دراوینگ روم (که نوعی پذیرایی خصوصی‌تر بود)، در ابتدای قرن بیستم تبدیل کرد؛ از این منظر، مدرنیسم با طرح مجدد سلول هم برای مرد خانه و هم زن خانه گام بعدی را در جهت تحقق آرمان مدرن زنان برداشت (نگاه کنید به برنامه تفصیلی مدرنیستی تایگه (Teige, 2002, 9-31) به عنوان براینده این رویکردها در ۱۹۳۲. در صفحه ۲۲۷ وی به صراحت از لزوم وجود اتاق انفرادی برای افراد خانه با حذف هرگونه تمایز در طراحی میان فضای مردان و زنان سخن می‌گوید؛ با این همه از نظر هایدن، این تغییرات همچنان بدلیل ماهیت مارکسیستی نظریات پشتوانه آن و عدم توجه مارکس به نقش زنان، از ایده‌آل زنان فاصله داشت (Hayden, 1981, 6-8). در طیف فمینیست‌ها و آنانی که دورالس هایدن فمینیست‌های عینیت‌گرا خوانده است، زندگی خانگی محور نقد و بررسی از زاویه تحلیل قدرت بوده است و اینکه چگونه نظام‌های رفتاری، فضایی و اجتماعی خانه بر تقویت یا تضعیف قدرت سنتی مردان تأثیر می‌گذارد. عدم وجود فضای خصوصی برای زنان (بصورت فردی و شخصی‌سازی شده) (Weisman, 2000, 2) در مقایسه با مردان، در ابتدای دوران پست مدرن، بازهم بخش مهمی از ادبیات را به خود اختصاص داده است. دسته دوم تحلیل‌های مورد بحث، به مراتب فضایی و نقش تفکیک فضا در خانه در تقویت و تثبیت نقش‌های جنسیتی تخصیص یافته به زنان براساس قواعد موسوم به «احکام مردانه» مربوط می‌باشد که، از مشهورترین این سلسله انتقادات است که مستقیماً به کیفیات فضایی مربوط می‌شود (این موضوع را کلثوم بایدار به تفصیل بحث کرده است - Baydar, 2005, 41). در این حوزه اگرچه برخی به نقش همین مراتب در تثبیت نقش‌های اجتماعی - خانوادگی مردان نیز تصریح کرده‌اند (Heynen & Baydar, 2005, 47)، اما «حضور فضایی» مردانه، کمتر موضوع تحلیل است و چیزی که وجود دارد، «میدان»‌های بازی است که به زعم این تحلیل‌گران، توسط مردان ایجاد شده تا زن وادار به ایفای نقش‌های گوناگون (دستکم سه نقش همسر، مادر، خدمتکار) در خانه شود (منابع متعدد از جمله Baydar, 2005, 33&39 و Friedan, 2000, 35).

با چالش مواجه است (Oechsle, Müller and Hess, 2012, 10). رایپورت (۱۳۸۲، ۵۷ و ۶۹) با تعریف معماری به صورت ایجاد تمایز میان فضاها بر مبنای کیفیات متفاوت حضور فرهنگی انسان، راه را برای ایجاد پیوند معنی‌دار میان موضوعات جامعه‌شناسانه و معماری هموارتر کرده است. در دهه‌های اخیر، تحلیل جامعه‌شناسی خانه بیش از هر طیفی، از سوی فمینیست‌ها و نیز تحلیل‌گران نومارکسیست و همگرایان آنها پیگیری شده است؛ اما در باب موضوع خاص این نوشتار یعنی «کیفیت حضور فضایی پدر» در خانه، ادبیات مزبور مستقیماً وارد بحث نشده است؛ بلکه این حوزه عمدتاً بر تقابل نقش زن و مرد در خانه و تأثیری که کیفیت فضایی خانه می‌تواند بر تثبیت یا تضعیف ساختارهای اجتماعی مقوم یا مخرب نقش‌های تعریف شده از سوی سنت موسوم به مردانه، بگذارد، متمرکز بوده است.

### ۱.۱. نسبت الگوهای فضایی خانه با حضور مردان در ادبیات تحلیلی معاصر

در واقع نگرش منفی به موضوع اقتدار یا حاکمیت مرد در خانه، بر کل تحلیل‌های مزبور سایه انداخته است. از منظر نسبت با فضا، سه طیف اصلی را می‌توان در این تحلیل‌ها بازشناسی کرد: دسته نخست، با تمرکز بر معانی و تداعیات فضاهای واحد به تحلیل هویت جنسیتی آنها در تاریخ پرداخته‌اند؛ به عنوان نمونه «آشپزخانه»، کانون بخش مهمی از تحلیل‌ها با محوریت «فضای زنانه» بوده است که از نخستین دوره فعالیت‌های فمینیستی در مرکز بحث بوده است؛ اما فضای مختص مردان، دوران اخیر و با رشد ادبیات تحلیلی، بیشتر بررسی شده است. تحلیل ویکتوریا روزنر در مورد اتاق مطالعه (با عنوان دقیق Study) در دوره ویکتوریایی که در امتداد بحث ویرجینیا وولف درباره نقش عدم مالکیت پول و «اتاق شخصی» در عدم بروز خلاقیت زنان (Woolf, 1977, 24-5) قابل طرح است، یک نمونه تفصیلی از این مورد است (Rosner, 2004، فصل چهارم). در واقع موضوع اتاق فردی در خانه و پیدایش آن، از دوران مدرنیست‌های اولیه



تصویرا- سه حوزه مؤثر بر نقش پدری.

ماخذ: (Hobson and Morgan, 2004, 9 براساس)

خاورمیانه و عالم اسلام، به تقسیم زمانی مدیریت فضا میان زنان و مردان بازمی‌گردد که ناشی از الگوی جدایی محل کار و زندگی در شهرهای این ناحیه از جهان است؛ به نحوی که نه تنها خانه، بلکه محله نیز در اغلب ساعات روز، تحت حاکمیت مطلق زنان بوده است. این تفاوت در مورد تقسیم نقش‌ها که موضوع دیگر بحث سلسله مراتب فضایی در خانه است، نیز صادق است و مثلاً نقش «خدمتکار» برای زن خانه، در سنت اسلامی و جامعه سنتی ایران، معنای چندانی ندارد؛ به نحوی که مطابق گزارش‌های موجود، کار خانه برای زنان دوره قاجار، نسبت به هم‌نوعان اروپایی خود، چندان زیاد نبوده است (کولیورایس، ۱۳۶۶، ۳-۱۵۲ و شهری، ۱۳۷۱، ۲۹۹ و بویژه ۳۱۰ به بعد). در باب مسأله دیگر، یعنی سلسله مراتب فضایی و بویژه قابلیت تمرکز کانونی مردانه در فضا، و عدم تملک فضایی معادل او از سوی زن خانه، آنطور که وایزمن ضمن نوشتار مشهوری، بیان کرده است که «از اتاق خواب تا سر میز [غذاخوری]»، «مرد خانه / نان آور خانه»، مکان‌های حکمرانی، خلوت (محل مطالعه شخصی) و تفریحی (کارگاه شخصی خود یا صندلی راحتی مخصوص خود) را داراست. [اما] یک زن خانه‌دار، هیچ مکان بی‌مزا نمی‌دارد» (Weisman, 2000, 2). باید گفت که که اصولاً در تمام خاورمیانه و حتی خاور دور الگوی حرکتی نشستن روی زمین در خانه، تمام کف مفروش خانه را به عنوان فضای گسترده زندگی و قابل اشغال موقت (به عنوان قلمرو) مطرح ساخته است به نحوی که رقابت مندرج در عبارت فوق برای اشغال فضا میان زن و مرد یا اهمیت یافتن مکانی خاص در یک فضا (مانند جلوی شومینه) در هر حال نمی‌توانسته مزیت بزرگی به اندازه نمونه غربی باشد؛ چراکه الگوی نشستن روی صندلی و مدل نقطه‌ای اشغال فضا که تعداد مکان‌های انگشت‌شمار قابل اشغال در خانه را مطرح می‌کند، آشکارا قابلیت فضایی کمی به نسبت نمونه غیرغربی برای تساوی فضاهای قلمروی موقت، ارایه می‌کند که شکل‌گیری الگوهای رقابتی در آن کاملاً طبیعی‌تر است. همین عدم تطابق شرایط تاریخی در مورد تحلیل والتر بنیامین نیز بخوبی قابل بررسی است و فرد بورژوازی او و شرایط زندگی مورد ادعای وی، در تاریخ ایران، شاید به تعداد انگشتان دست، مصداق داشته باشد و به هیچ وجه یک الگوی فراگیر اجتماعی نبوده است. برخی از تحلیل‌های منفی ارایه شده از واقعیات جامعه‌شناسانه فضا نیز از منظر ارزش فرهنگی و ذهنیتی ممکن است کاملاً معکوس باشد و برخلاف نظر تحلیل‌گران، ذاتاً موضوع مثبتی برای مردان، زنان یا کل خانواده محسوب شود. نمونه بارز این موضوع، قوت حاکمیت خانواده بر عرصه خانه در قبال قانون جامعه است که الگوهای فضایی مرز خانه و بیرون آن را تحکیم می‌کند و تحلیل فوق‌الاشاره از کیم داوی به عنوان موضوعی بالقوه غیرانسانی از آن تعبیر کرده است. این تحلیل در میان جامعه‌شناسان ایرانی نیز کم و بیش رایج است و به عوامل گوناگونی نسبت داده می‌شود؛ از جمله، منزلت شغلی مرد، وضعیت اشتغال و تحصیلات مرد یا زن، درآمد یا سن و... (نگاه کنید به منصوریان و همکاران، ۱۳۸۱، ۵-۲۷۲).

برای دستیابی به معنای روشنی در این زمینه بحث و بررسی‌های نظری و تجربی بسیاری در مورد چگونگی

رویکرد سوم به نسبت فضای خانه با جامعه خارج مربوط است که تا حدی از حوزه فمینیسم خارج می‌شود و به مواضع مارکسیستی و انتقادات قرن نوزدهمی از سیستم اقتدار سنت و موضوعات از خودبیگانگی، نزدیک‌تر است. تحلیل کیم داوی، یک نمونه بارز این رویکرد است که برای تحکیم مواضع منتقدانه خود از ابزار نحو فضا استفاده می‌کند و سیستم‌های سلسله‌مراتبی فضایی را به عنوان جنوتایپ‌های فضایی نهادینه‌کننده قدرت خصوصی در خانه در مقابل قدرت عمومی (قانون) مطرح می‌کند. به این معنا که وی موضوع محرمیت در خانه و مراتب فضایی مرتبط با آن را مستعداً تشکل یک کانون قدرت «نامشروع» (در قبال قدرت عمومی) برمی‌شمرد که بالقوه مستعداً ظلم به اعضای ضعیف‌تر درون حوزه خانه (به صورت پیش‌فرض: زنان و کودکان) خواهد بود (Dovey, 1999, 22) و نیز ابتدای فصل ۱۰ بویژه ۱۴۰؛ در واقع این نحو تحلیل در امتداد موضع‌گیری بنیامین و تاحدی، زیمل قرار می‌گیرد؛ بویژه والتر بنیامین در تحلیل خود از تلاش تاریخی بورژوا برای حفاظت از فردیت خود در مقابل جامعه فاقد مرزهای سخت محرمیت (که هم در مورد قرون وسطا و هم در مورد جامعه مدرن شونده عصر صنعتی مورد ادعا بوده و هست) و نتیجتاً برای دفاع از سنت در مقابل مدنیته، به بستن مرزها، تفکیک درون از بیرون و پرداختن به تزیین درون روی می‌آورد و می‌کوشد تا هویت «خود» را در مقابل نیروی از خود بیگانه‌کننده شهر مدرن (موضوع مورد ستایش بنیامین) بازسازی و بازتولید نماید (Rice, 2007, 11 - 13)؛ اگرچه «فرد» مورد اشاره بنیامین، فاقد جنسیت است و در مقابل جامعه همگن شونده مدرن مورد بحث قرار می‌گیرد و نه در چارچوب تقابل دو فرد (زن و مرد) ولی چنانکه دورالس هایدن نیز معتقد است، این تحلیل‌ها بر مرد دوران صنعتی متمرکز است و لذا نمونه‌ای است از تحلیل فضایی در مورد مرز درون و بیرون و نسبت آن با مرد بورژوازی آنکه چندان متوجه پیوند وی با چیزی به عنوان «خانواده» و نقش «پدر» بودن او باشد.

## ۲.۱. کاستی‌های تحلیل‌های معاصر برای شناخت زیست‌فضای پدر در خانه ایرانی

دو موضوع اصلی در مورد این دست تحلیل‌ها و رابطه آن با نوشتار حاضر قابل طرح است: نخست آنکه نه تنها در مورد جوامع غیرغربی بلکه در مورد خود جامعه غرب و ماهیت تاریخی فضای خانه در آنجا نیز این تحلیل‌ها کاملاً بر واقعیات منطبق نیست؛ مثلاً در مورد موضوع نخست و فضای مردانه اتاق study همچنان که خود روزنر هم اذعان دارد، شواهد معارض زیادی وجود دارد و تحقیق دیگری، پایه اصلی این فضا را closet قرون وسطایی (که در اصل، اتاقتی فردی برای عبادت کاتولیک‌ها در منزل بوده) می‌داند که هم زنان و هم مردان ممکن بوده است واجد آن باشند (Worsley, 2011، فصل ۵). بعلاوه پایه بسیاری از این مفروضات، سبک تاریخی زندگی در غرب است که معادلی در بسیاری از جوامع ندارد؛ در واقع تصرف فضای خانه از سوی زنان و مردان در نمونه‌های غیرغربی ممکن است نشانی از قطبیت مورد ادعای تحلیل‌های مزبور نداشته باشد؛ یک وجه موضوع در نمونه

است که نسبت‌های معنی‌دار بین تکرار رفتارهای مرتبط با نقش پدری و فضاهایی که این رفتارها در آن رخ می‌دهد، به معنی همبستگی نقش مزبور با الگوهای فضایی پیدا شده است.

### ۱.۲. روش پیمایش

در این پیمایش - بواسطه عدم وجود سابقه قبلی - برخی رفتارهای رایج مرتبط با نقش پدری در جامعه (اعم از مثبت و منفی) انتخاب شد و نخست به صورت کمی میزان وقوع و مکان‌مندی آنها در ذهنیت مخاطبان بررسی گردید. ترتیب انتخاب فعالیت‌ها از حالات فردی رفتار - حضور به حالات جمعی است که مجموعاً چهارده را شامل می‌شود: الگوهای رفتار - حضور پدر در حالت فردی، الگوهای دونفره، الگوهای جمع خانوادگی و الگوهای جمع خانواده و غریبه‌ها (مهمان). در هر رده، بین ۴ تا ۱۱ فعالیت - حضور شناسایی شده است که در سنجش کمی، نسبت آن با ذهنیت بررسی شده، سپس در سنجش کیفی، برخی الگوهای مهم بدست آمده در سنجش کمی، به صورت تفصیلی‌تر مورد بررسی قرار گرفته است؛ به این صورت در مورد آن الگو، علاوه بر پلان، از گزارش فرزند، بیان وی در مورد پدر خود و نیز تصویر موقعیت فضایی برای تحلیل کیفی و عمیق بهره‌برداری می‌شود.<sup>۴</sup>

۲۰ خانواده انتخابی در شهر تبریز برای پیمایش در نظر گرفته شد و پرسشنامه‌ها به صورت ایمیل برای یکی از فرزندان جوان آنها (حدود ۲۰ تا ۲۵ سال) ارسال گردید. انتخاب مزبور براساس نمونه‌گیری تصادفی نبود؛ بلکه انتخاب‌های هدفمند با توجه به عدم وجود نمونه قبلی، ترجیح داده شد. برای انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه (خانواده‌های هدف) بجز همگنی فرهنگی و تعهد نسبی به اصول زندگی اسلامی، سعی شده تا بستر فرهنگی نمونه‌های کمی کمابیش یکسان و دارای پیشینه مذهبی شناخته شده باشد؛ انتخاب شهر تبریز، به عنوان مکان زندگی نمونه‌ها، این ویژگی را تضمین می‌کرد؛ نمونه‌های کیفی، برای تحلیل نتایج کمی از میان همان‌ها انتخاب شد (۴ مورد از میان ۲۰ مورد) که در بخش تحلیل نتایج، شرح نحوه انتخاب و نتایج بررسی آن خواهد آمد.

### ۲.۲. نتایج پیمایش کمی

در ابتدای امر، باید متذکر شد با توجه به اینکه در نرم-افزار تحلیل اطلاعات آماری «SPSS» نیاز بود تا به هر کدام از متغیرها اعتبار خاصی<sup>۵</sup> بخشید، برای این منظور، با توجه به تعداد نمونه‌های آماری، از نظام پنج تایی (طیف لیکرت) برای پاسخ‌گویی برای هر کدام از متغیرهای مورد سؤال، استفاده شد. برای مثال وقتی از عبارت "پدرم در خانه نماز می‌خواند" که نمونه‌ای از حضور انفرادی به حساب می‌آید؛ پرسیده می‌شود، عدد ۱ بیشترین اعتبار (به این معنا که این فعل در ذهن افراد با یک مکان مشخص تداعی می‌شود) و عدد ۵ کمترین اعتبار (چیزی از این فعالیت به ذهن نمی‌رسد) می‌باشند؛ به این معنی که هنگامی که فردی نمره ۱ را برای این پرسش، پاسخ می‌دهد،

تصمیم‌گیری در خانواده صورت گرفته است. نتایج به دست آمده در یکی از بررسی‌های انجام شده در این باره نشان می‌دهد که در جامعه معاصر ایرانی، بیش از نیمی از خانواده‌ها (۶۱/۶ درصد)، پدران نقش محوری در تصمیم‌گیری را دارند (نگاه کنید به آزادارمکی، ۱۳۹۲، فصل چهارم). این نگاه در تعبیر یک تحلیل‌گر غربی دیگر در مورد جوامع اسلامی، کاملاً صورت معکوس یافته است و استفانو بیانکا وجود آن را مزیت مهمی در ایجاد رضایت اجتماعی در میان مردم این جوامع دانسته است که به آنان حس استقلال و عدم بردگی حتی در خانه‌های کوچک می‌دهد که کمتر نشانی از آن در دیگر تمدن‌ها می‌توان یافت (Bianca, 2000, 36 - همان چارویاری، اختیاری مشهور ایرانی). گذشته از موضع جامعه‌شناسانه، دست‌کم طیفی از روان‌شناسی علمی معاصر از موضوع تحکیم مرزها در تعریف نقش‌های اجتماعی و بویژه خانوادگی به عنوان ابزار آسایش و کارایی روانی، دفاع می‌کند (سالاری فر، ۱۳۸۱، ۲-۱۳۰).

نکته دوم و اساسی‌تر از منظر این نوشتار در مورد این تحلیل‌ها، عدم کفایت آنها برای تبیین نقش مهم «پدر» در خانه و وجه فضایی آن است؛ در واقع این نقش، تداعیات رفتاری زیادی دارد که می‌تواند با فضا پیوند یابد و در خلال این دست تحلیل‌ها بدلیل منفی‌نگری کلی آنان نسبت به نقش قدرتمند مرد، از نظر دورمانده و موضوع بخش دیگر این مقاله است.

در مورد خاص پدر برخی تحقیقات خاص، به موضوع فضا‌مندی این نقش پرداخته‌اند؛ اما این پژوهش‌ها کمتر به نسبت فضا - رفتار، آن هم از بُعد نقش پدری در معنای سنتی خود توجه کرده‌اند؛ مثلاً پژوهش اندرسن در مورد نروژ، مربوط است به نسبت نقش پدری با خانه از منظر تئوری سازندگی فضا (دیالکتیک فضا - زندگی) هاروی و لفور؛ اما با توجه به بستر انسانی پژوهش، یعنی کشورهای اسکاندیناوی و قانونی شدن فرزندآوری از طریق روابط نامشروع و حتی تلقی نقش پدری برای همجنس‌گرایان، چیزی را به عنوان «پدر بودن» مورد بررسی قرار داده است که اصولاً در اینجا مفهومی ندارد (Andersen, 2014, 6-234)؛ در نمونه دیگر کارولینا هلفریش در جستجوی نسبت خانه و نقش پدری در قالب مدرن خود، نهایتاً به دیالکتیک فمینیستی خانه = فضای زنانه و محیط کار = فضای مردانه، رجوع می‌کند و بحث را به رقابت زن و مرد برای تصاحب قلمرو از یکسو و مبارزه درونی مرد برای ایجاد تعادل بین مردانگی (با معادل فضایی محیط کار) و نقش پدری مدرن (که اصالتاً زنانه شدن نقش سنتی پدر را به همراه دارد و او را از نان‌آور به نگهدارنده کودک بدل می‌کند)، معطوف می‌کند (Helfreich, 2012, 162-3).

## ۲. بررسی میدانی زیست‌فضای پدر در خانه ایرانی

برای اینکه بتوان نسبت نقش «پدر» (با تعریف ایرانی و نه معاصر غربی) با الگوهای فضایی را بررسی نمود، مطالعه‌ای میدانی به شرح زیر ترتیب داده شد: در این مطالعه فرض بر این

است و در عین حال نشان می‌دهد که تصویر ذهنی آن فعالیت، پیوند چندانی با مکان ندارد؛ عدد ۵ نیز نشان می‌دهد که فعالیت مورد اشاره، نسبتی با تصویر ذهنی فرد از پدر خود نداشته است. با توجه به این اعتبارات که به هر کدام از این گزاره‌ها داده شد،

یعنی قائل به این واقعیت است که پدرش برای نماز خواندن، جایگاهی ویژه در خانه دارد یا به عبارت دیگر، مکان نماز، با تصویر ذهنی فرد از پدرش پیوند قوی دارد؛ به این صورت، نمره ۳ حاکی از پیوند مستحکم فعالیت خاص با نقش پدر در ذهن فرزند جدول ۱- آمار توصیفی از کیفیت انواع حضورهای چهارگانه.

انواع حضور		آمار توصیفی				تفکیک بر اساس نوع خانه		
		N	میانگین	انحراف از معیار	میانگین (خانه حیاط‌دار)	میانگین (خانه آپارتمانی)	قدر مطلق تفاضل میانگین	
حضور فردی	الف. بررسی نسبت فضای خانه با حضور افرادی پدر	پدرم در خانه نماز می‌خواند	۲۰	۱,۵۰	۹۴۶.	۱,۵۶	۱,۴۵	۰,۱۱
		پدرم در خانه سیگار می‌کشد	۱۷	۴,۱۸	۱,۵۵۱	۳,۵۷	۴,۶	۱,۰۳
		پدرم به رادیو گوش می‌دهد	۲۰	۳,۳۵	۱,۵۹۹	۳,۱۱	۳,۵۵	۰,۴۴
		پدرم نواری یا CD مورد علاقه‌اش را گوش می‌دهد	۱۹	۳,۷۴	۱,۶۲۸	۴,۲۵	۳,۳۶	۱,۱۱
		پدرم کتاب می‌خواند	۱۹	۲,۵۳	۱,۳۰۷	۲,۶۳	۲,۴۵	۰,۱۸
		پدرم روزنامه می‌خواند	۱۸	۳,۱۷	۱,۵۸۱	۳,۵۰	۲,۹	۰,۶
		پدرم کارهای مربوط به شغلش را در خانه انجام می‌دهد	۲۰	۲,۲۵	۱,۴۱۰	۲,۳۳	۲,۱۸	۰,۱۵
		پدرم کارهای خانگی انجام می‌دهد (*)	۲۰	۲,۹۰	۱,۴۴۷	۳,۲۲	۲,۶۴	۰,۵۸
		پدرم وسایل شخصی‌اش را مرتب و واری می‌کند	۱۹	۲,۲۶	۱,۴۴۷	۲,۱۳	۲,۳۶	۰,۲۳
		پدرم عکس‌ها و وسایل قدیمی‌اش را نگاه می‌کند (*)	۱۹	۲,۹۵	۱,۶۱۵	۳,۳۸	۲,۶۴	۰,۷۴
	پدرم اسناد مهمش را بررسی می‌کند	۱۹	۲,۱۶	۱,۳۰۲	۲,۸۸	۱,۶۴	۱,۲۴	
حضور فردی	ب. بررسی نسبت فضای خانه با حضور دو نفری: پدر و یکی از اعضا	پدرم در مورد مسائل مهم خانه با مادرم مشورت می‌کند	۱۹	۲,۶۸	۹۴۶.	۳,۱۳	۲,۳۶	۰,۷۷
		پدرم در مورد رفتار یکی از فرزندان با مادرم بحث می‌کند	۱۹	۲,۸۴	۸۳۴.	۳,۰۰	۲,۷۳	۰,۲۷
		پدرم به درددل یکی از فرزندان گوش می‌دهد (*)	۱۹	۳,۰۵	۱,۰۷۹	۳,۷۵	۲,۵۵	۱,۲
		پدرم یکی از بچه‌ها را نصیحت یا توبیخ می‌کند (*)	۱۹	۲,۸۹	۱,۰۴۹	۳,۵۰	۲,۴۵	۱,۰۵
		پدرم مشغول بازی با بچه‌هاست	۱۸	۳,۰۶	۱,۲۵۹	۳,۸۶	۲,۵۵	۱,۳۱
		پدرم با یکی از فرزندان نشست و فیلم تماشا می‌کند	۱۹	۱,۵۳	۱,۰۲۰	۲,۰۰	۱,۱۸	۰,۸۲
		پدرم با موبایل با یکی از دوستانش صحبت می‌کند	۱۹	۲,۶۳	۸۳۱.	۲,۵۰	۲,۷۳	۰,۲۳
		پدرم با موبایل با یکی از خویشاوندان صحبت می‌کند	۱۸	۲,۵۶	۸۵۶.	۲,۲۹	۲,۷۳	۰,۴۴
		پدرم با موبایل با یکی از افراد خانه که بیرون رفته، صحبت می‌کند	۱۸	۲,۷۲	۱,۰۱۸	۲,۵۷	۲,۸۲	۰,۲۵
		حضور در میان جمع	ج. بررسی نسبت فضای خانه با حضور پدر در جمع خانوادگی	پدرم در جمع خانواده است، در حالی که همه مشغول بحث در مورد یک موضوع خانوادگی هستند.	۱۹	۱,۹۵	۹۷۰.	۲,۰۰
پدرم در جمع خانواده است، در حالی که همه با هم یک سریال تلویزیونی را تماشا می‌کنند	۱۹			۱,۳۷	۵۹۷.	۱,۲۵	۱,۴۵	۰,۲
پدرم در جمع خانواده است، در حالی که همه در اتاق نشیمن هستند ولی هرکس به کار خودش مشغول است.	۱۸			۲,۰۶	۱,۲۵۹	۲,۴۳	۱,۸۲	۰,۶۱
پدرم در جمع خانواده است، در حالی که همه با هم ناهار یا شام صرف می‌کنند.	۱۹			۱,۱۱	۳۱۵.	۱,۰۰	۱,۱۸	۰,۱۸
د. بررسی نسبت فضای خانه با حضور پدر در جمع مهمان‌ها	پدرم در جمع مهمان‌ها است، در حالی که مهمان‌ها همه خویشاوندان ما هستند.		۱۹	۱,۶۸	۶۷۱.	۱,۷۵	۱,۶۴	۰,۱۱
	پدرم در جمع مهمان‌ها است، در حالی که مهمان‌ها همه از دوستان خانوادگی پدر و مادر هستند.		۱۹	۱,۸۴	۱,۱۱۹	۱,۵۰	۲,۰۹	۰,۵۹
	پدرم با یکی از دوستانش که برای دیدن او آمده است، مشغول صحبت است.		۱۸	۲,۳۹	۱,۵۳۹	۲,۶۳	۲,۲	۰,۴۳
	پدرم در جمع مهمان‌ها است، در حالی که همه مشغول صرف شام در خانه ما هستند.		۱۹	۱,۶۸	۸۸۵.	۲,۰۰	۱,۴۵	۰,۵۵

این قسمت، نکته‌ای که حائز اهمیت می‌باشد؛ ذکر فعالیت‌های مربوط به این بخش است که در بررسی پاسخ‌ها مورد نظر است، با توجه به نتیجه حاصله، چهار فعالیت (دو مورد از فعالیت‌های فردی و دو مورد از میان فعالیت‌های جمعی) از جدول با این ویژگی به اعتبار نزدیکی به این نمره (۳) مورد توجه قرار می‌گیرند: این فعالیت‌ها که با علامت (\*) در جدول مشخص شده‌اند، نشان می‌دهند که جایگاهی برای این امور در خانه مشخص نشده است و تنها تصویر ذهنی از خود فعالیت وجود دارد، بدون اینکه فضای خاصی در ذهن اغلب افراد از آن موجود باشد.

علاوه بر نتایج ناشی از آمار توصیفی، برخی نتایج تحلیلی قابل توجه نیز قابل اشاره است:

طبق جدول ۲ که میانگین‌های مربوط به هریک از انواع حضورهای چهارگانه (حضور انفرادی، حضور دو نفری با یکی از اعضای خانواده، حضور در جمع خانواده، حضور در جمع مهمان‌ها) را نشان می‌دهد؛ با توجه به طیف مورد نظر (نمره ۱) برای مکان‌مندی بیشتر و نمره ۵ برای مکان‌مندی کمتر به قدری که چیزی به ذهن مخاطب القا نمی‌شود) و نتایج مربوط به میانگین‌ها در هر گروه که در جدول ۲ آورده شده است؛ می‌توان این‌طور استنتاج کرد که تصویر ذهنی از پدر در حضورهای فردی نسبت به حضور در جمع (خانواده- مهمان)، از مکان‌مندی کمتری برخوردار است؛ به این معنی که حضور پدر خانواده در میان جمع، در مکان مشخص‌تری بروز پیدا کرده تا وقتی که پدر خانواده به صورت فردی یا با یکی از اعضای خانواده در خانه حضور دارد یا به عبارت دیگر، این مکان با نقش پدری پیوند قوی دارد. استفاده از آزمون t برای اثبات معناداری تفاوت نتایج ردیف‌های حضور فردی و حضور جمعی پدر در جدول ۳ نیز مؤید

ترسیم جدول کلی که میانگین هر کدام از متغیرها را درون خود دارد، امکان‌پذیر می‌شود (جدول ۱).

با توجه به جدول ۱ که فعالیت‌های وابسته به پدر را به صورت تفکیکی نشان می‌دهد، می‌توان این‌طور استنتاج کرد که از میان حضورهای انفرادی، تصویر ذهنی «نماز خواندن» بیش از سایر فعالیت‌ها، مکان‌مند بوده و از میان حضورهای جمعی (در میان خانواده یا مهمان‌ها) و تصویرهای ذهنی موجود از پدر در این موارد، هنگام «تماشای تلویزیون» و هنگام «صرف ناهار یا شام» در جمع خانواده، جایگاه پدر مشخص بوده و از مکان‌مندی بیشتری نسبت به سایر موارد برخوردار است.

با توجه به پرسشنامه، در میان پاسخ‌های پرسشنامه، عبارت «بیشتر خود فعالیت در ذهنم می‌آید و نه مکان آن» با ارزش‌گذاری ۳ (در طیف پنج‌تابی) در نظر گرفته شده است. در

جدول ۲- میانگین مربوط به هریک از انواع حضورهای چهارگانه.

انحراف از معیار	میانگین	میانگین
حضور فردی	۰.۷۸۹۲۹	۲.۷۹۴۹
	۰.۵۷۳۲۸	۲.۶۶۳۳
حضور در میان جمع	۰.۵۰۲۱۹	۱.۶۰۵۳
	۰.۷۰۴۰۰	۱.۸۸۱۶

جدول ۳- میزان معناداری در تفاوت‌های مربوط به نوع حضور (فردی، جمعی).

	t-test				حضور فردی	حضور در میان جمع
	بررسی نسبت فضای خانه با حضور انفرادی پدر	بررسی نسبت فضای خانه با حضور دو نفری: پدر و یکی از اعضا	بررسی نسبت فضای خانه با حضور پدر در جمع خانوادگی	بررسی نسبت فضای خانه با حضور پدر در جمع مهمان‌ها		
بررسی نسبت فضای خانه با حضور انفرادی پدر	.....					
بررسی نسبت فضای خانه با حضور دو نفری: پدر و یکی از اعضا	۰.۳۲	.....				
بررسی نسبت فضای خانه با حضور پدر در جمع خانوادگی	۱.۲۷E - ۰۵	۱.۸۸E - ۰۶	.....			
بررسی نسبت فضای خانه با حضور پدر در جمع مهمان‌ها	۰.۰۰۰۲	۰.۰۰۰۰۷	۰.۱۱۳	۰.۰۰۰		
حضور فردی					۰.۰۰۰	۱.۱۵E - ۰۵
حضور در میان جمع					۱.۱۵E - ۰۵	.....

موارد معنادار به صورت برجسته با رنگ خاکستری مشخص شده‌اند

خانه، شاخص شده است؛ با توجه به پیش فرض‌های زیستی در این دو نوع زندگی، قابلیت حدس بیشتری داشته ولی دو فعالیت دیگر، قدری دور از ذهن می‌باشند.

### ۲.۳. تحلیل کیفی نتایج

در این قسمت با توجه به عدم وجود مطالعه مشابه، موارد قابل توجه در تحلیل آماری، در چهار نمونه کیفی مورد بررسی (با مصاحبه و پرسشنامه باز) مورد واکاوی عمیق‌تر قرار داده می‌شوند؛ این نمونه‌ها از میان همان افراد مورد مصاحبه (کسانی که در موارد اصلی، پاسخ مثبت داشته‌اند) انتخاب شده‌اند و بجز مصاحبه، مدارک تصویری از مکان‌های مورد بحث نیز تهیه شده است. دو نفر از کسانی که خانه پدری حیاط‌دار داشتند (نمونه‌های مشخص شده با  $H_1$  و  $H_2$ ) و دو نفر از مورد آپارتمانی (نمونه‌های مشخص شده با  $A_1$  و  $A_2$ ) برگزیده شدند.

#### ۱.۲.۳. مکان‌مندی تصویر ذهنی از پدر در حضور فردی:

رجوع به ادبیات تحلیلی ابتدای نوشتار، حاکی از آن است که آنجا، بر نقش منفرد و اقتدار طلب مرد در خانه تأکید شده است؛ ولی یافته‌های نگارندگان نشان می‌دهد که تصویر ذهنی «پدر»، بویژه در اتصال با مکان‌های خانه، تصویری وابسته به جمع است و با آن معنادار می‌شود. بعلاوه ممکن است بتوان بیان کرد که مکان‌های خیلی فردی (مانند محل اسناد و مدارک یا سیگار کشیدن) چندان در ذهن افراد، با پدر پیوند نداشته است که نتیجه‌ای برخلاف تحلیل فمینیستی (موضوع مرد و شومینه) در تحلیل فریدن است. در میان موقعیت‌های «حضور انفرادی»، «نماز خواندن» بطور استثنایی، تصویری مکان‌مند در ذهن افراد داشته است.

در بررسی نمونه‌های کیفی، در سه مورد از چهار مورد، این مکان در اتاق پذیرایی و در عین حال، دور از مسیرهای حرکتی قرار دارد: «این محل مکان مشخصی در اتاق پذیرایی می‌باشد رفت و آمد کمتری از آن محل می‌شود» (نمونه  $H_2$ ) دقت در تصاویر این مکان در نمونه‌های مورد بررسی (تصاویر ۲ و ۳)

این نتیجه است. در جدول دیده می‌شود که نتایج زیر ۰.۷۰۰۵ که معناداری تفاوت را نشان می‌دهد، هم برای مقایسه انفرادی ردیف‌های الف و ب با ج و د بدست آمده است و هم در مقایسه مجموع نتایج آنها با مجموع نتایج ج و د که نمایشگر حضور جمعی است.

در میان پاسخگویان و شاخصه‌های فردی آنها، دو مشخصه می‌توانست برای تحلیل تصویر ذهنی از پدر - مکان کارایی داشته باشد: نخست وضعیت فرهنگی خانواده که با «پدر» نسبت بیشتری دارد و دوم، وضعیت کالبدی خانه پدری که موضوعی در رابطه با «مکان» و نقش احتمالی آن در شکل‌گیری الگوهای پدر - کالبد است. در مورد وضعیت فرهنگی، انتخاب ۹۰ درصدی گزینه «هم سنتی و هم مدرن» نشان می‌داد که الگوهای رفتار فرهنگی پاسخگویان، کمابیش مشابه است و نتایج این تحقیق، منحصر به این طیف از جامعه است. از سوی دیگر تحلیل تمایز دسته‌های فرهنگی، توجیه نداشت. اما در مورد شاخصه مکانی، نسبت نزدیک پاسخگویان با خانه حیاط - دار (۴۵ درصد) و آنها که خانه پدریشان فاقد حیاط (آپارتمانی) است (۵۵ درصد)، امکان مقایسه را پدید آورد که نتایج آن در جدول ۱ آمده است، طبق این نتایج که بر اساس این تفکیک (نوع خانه و تقسیم‌بندی آن به حیاط‌دار و آپارتمانی) انجام شد، نتیجه این طور نشان می‌دهد که در سه فعالیت «پدرم نوار یا CD مورد علاقه‌اش را گوش می‌دهد» پدرم اسناد مهمش را بررسی می‌کند» پدرم مشغول بازی با بچه‌هاست»، تفاضل میانگین به حد اکثر خود رسیده است که نشان دهنده این واقعیت است که این سه فعالیت، نوع خاصی از حضور و مکان‌مندی را نسبت به نوع خانه القا می‌کنند که میزان تأثیر این سه فعالیت را نسبت به نوع خانه می‌توان به وضوح مشاهده نمود؛ به عبارت دیگر، نوع خانه، تأثیر زیادی روی این قسم از فعالیت‌های پدر داشته است که در نوع خود مهم می‌باشد. در میان موارد ذکر شده، فعالیت «بازی با بچه‌ها» که در تفاضل میزان مکان‌مندی در این دو نوع



تصاویر ۲ و ۳- محل نماز خواندن پدر در پذیرایی. نمونه  $A_2$  (سمت راست) و نمونه  $A_1$  (سمت چپ).



آپارتمانی، آشکارا ذهنیت مکان‌مندتری را نشان می‌دهد. یک تعبیر از این پدیده، تناسب بیشتر مدل آپارتمانی با سازوکار تحلیل ادبیات غربی است؛ به این معنا که در این عرصه‌های کوچک‌تر و فاقد فضای باز، حضورهای فردگراتر افراد خانواده، بیشتر در ذهنیت‌بخشی به دیگر افراد خانواده مؤثر است و این امر به رقابت بر سر تسخیر فضا که موضوع اصلی ادبیات تحلیلی خانه در موج دوم فمینیسم است، دامن می‌زند (در این حالت، رقابت میان پدر و فرزند نیز قابل طرح است و ادبیات فرویدی و عقده ادیپ نیز ممکن است در تحلیل وارد شود).

مقایسه مکان‌فعالیت مزبور در تحلیل کیفی نمونه آپارتمانی با حیاط‌دار، نشان می‌دهد کاملاً بر نتایج تحلیل کیفی انطباق دارد؛ به این معنا که در همه موارد، یک مکان دنج و امن در اتاق خواب برای نگهداری مدارک، وجود دارد، اما در دو نمونه آپارتمانی، علاوه بر آن، یک قفسه یا کتابخانه اختصاصی دیگر برای پدر در پذیرایی وجود دارد (تصاویر ۴ و ۵): «یک مکان در گوشه‌ای از اتاق والدین و همچنین محلی در پذیرایی می‌باشد که جدا از فضای نشیمن و در محلی که برای کتاب خوانی و فعالیت‌های هنری است وجود دارد. شامل سه کتابخانه با قفسه‌های زیاد می‌باشد که در کنار هم قرار گرفته‌اند و شامل

برخی ویژگی‌های دیگر را نیز نشان می‌دهد: رؤیت‌پذیری مکان از موضع عادی نشستن جمع خانواده (بودن در جمع در عین عمل انفرادی) و ویژگی این مکان است؛ مکان اگرچه خلوت دارد، اما در «حاشیه» نیست، در «متن» زندگی است و به این اعتبار یک حضور فردی در جمع است و نه یک حضور منفرد مطلق: «به نظر من، این محل در خاطره هر یک از افراد خانواده ثبت شده است» (مورد A<sub>1</sub>). وجود آن در انتهای اتاق، پدر را در حین عمل آیینی، در مقابل جمع قرار می‌دهد در حالی که خود او، پشت به جمع دارد؛ این صورت، با حضور مفهومی «امام جماعت» در مسجد قابل قیاس است که او نیز پشت به جمع قرار می‌گیرد، ولی به خاطر آنها روبرو خدا دارد؛ بجز یک مورد (H<sub>1</sub> - که بدلیل ناتوانی نسبی از صندلی مستقر در کنار اتاق استفاده می‌کند)، مکان مزبور نشانه بیادماندن نداشتن است (عدم شخصی‌سازی)؛ اما عدم اشغال این مکان از سوی دیگر افراد خانواده، (حتی برای نماز)، و تأکید بر بیادماندن بودن آن، مکان را به یک «مکان خاطره‌ای» (در قیاس با مکان «نشان‌گذاری شده») تبدیل می‌کند.

در عین حال در مورد حضور فردی، یک پدیده مهم تمایز نتایج مربوط به مسکن حیاط‌دار و آپارتمانی در مورد فعالیت (بررسی اسناد و مدارک شخصی توسط) پدر است که در نمونه



تصاویر ۴ و ۵ - در نمونه A<sub>1</sub> در مورد فضای نگهداری اسناد و وسایل (دو تصویر فوق) آمده است: «البته شایان ذکر است که محل اصلی کار و فعالیت پدر در همان اتاق پذیرایی است. تصویر سمت راست. منتها در گوشه‌ای که مزاحمتی برای سایر اعضا نداشته باشد و همچنین با جداره‌هایی از قفسه‌های کتاب قابل تعریف است که البته با توجه به تداخل نسبی حریم این فضا، که قابل انکار نیز نیست - به نظر می‌رسد مکان مناسبی نیست».

انتهایی اتاق و کنار محل نماز پدر (در نمونه  $A_1$ ) نشان می‌دهد که بیادمانندی بودن مکان حضور پدر در این حالت بدلیل مکان «کانونی» آن نیست، بلکه «در حاشیه» بودن و «نظارت» برای خدمت‌رسانی، ویژگی تصویر ذهنی مکان پدر در جمع مهمانان است، یعنی «مکانی برای میزبانی» و نه «نمایش اقتدار». بطور کلی، عدم اشاره به موضوعاتی نظیر اتاق مطالعه یا اتاق کار (وجه رایج تحلیل مردسالاری خانه‌های ویکتوریایی) یا مکان اسناد شخصی، ذهنیت از حضور پدر را به سمت یک نقش نمادین «حفاظت از جمع خانوادگی» در مقابل نقش نمادین «فرد حاکم بر خانواده» سوق می‌دهد.

یک تمایز بارز میان الگوی پاسخگویان مربوط به خانه‌های حیاط‌دار و آپارتمانی در مورد، تصویر ذهنی از پدر در حین بازی با بچه‌هاست. معدل این موضوع برای خانه‌های آپارتمانی،  $3/86$  است که نشان از تصویر کم‌رنگ اصل فعالیت در ذهن فرزندان دارد که در آپارتمان بزرگ شده‌اند؛ عدد  $2/85$  در مورد خانه‌های حیاط‌دار، نشان می‌دهد، فعالیت کاملاً بیادمانندی بوده است، اما مکان خاصی برای آن چندان در ذهن نمانده است. می‌توان گفت نفس حیاط‌دار بودن با تقویت ارتباط پدر و فرزندی و ایجاد تصویری از نقش پدر ارتباط مستقیم دارد (حتی اگر خود حیاط در تصویر ذهنی، کم‌رنگ باشد): «چندتا مکان به نظرم می‌رسد که از جمله پذیرایی و یکی از اتاق خواب‌هاست» (نمونه  $H_1$ )؛ در نمونه‌های کیفی، مکان این رخداد هم در حیاط (از جمله حیاط آپارتمان - نمونه  $A_2$ ) و هم در اتاق ذکر شده است (نمونه  $A_1$ ): «معمولاً این امر با توجه به نفس فعالیت در حیاط خانه رخ می‌دهد یا در حال مرکزی که فضایی بسیار صمیمی به واسطه درب بالکن و ورودی نور حداکثری به این فضا ایجاد کرده است» (نمونه  $H_1$ )؛ در واقع، حیاط طبیعی‌ترین مکان حضور بچه‌ها است و هر مکان بازی خانگی بچه‌ها باید پیوند مناسبی با آن داشته باشد (Alexander et al., 1977, 654). با این همه، بازی پدر با بچه‌ها، بتدریج از ذهن‌ها محو می‌شود: «با توجه به اینکه پدر شاغل می‌باشد اوقات کمی را در خانه با کودکان و بچه‌ها سپری می‌کند ولی در گذشته این امر بیشتر دیده می‌شد» (نمونه  $A_2$ ). جالب است که این امر در مقایسه با رویکرد معاصر مردان غربی به نقش پدری، وضعیتی معکوس را نشان می‌دهد؛ چنانکه هلفریش در بررسی خود در آلمان، «حیاط» و بازی پدر با کودکان در حیاط را نوعی ظهور مردانگی در نقش زنانه شده پدر مدرن متأخر می‌داند (Helfreich, 2012, 155).

انواع کتاب‌های علمی و هنری می‌باشد و همچنین برخی از مدارک و اسناد پدر در بین آنها دیده می‌شود» (مورد  $A_2$ )؛ حال آنکه در نمونه حیاط‌دار، فضای جمعی در این مورد نقشی ندارد و تنها استفاده از مدارک ممکن است در فضای جمعی باشد: «این محل در یکی از اتاق خواب‌ها قرار دارد به لحاظ مکانی از امنیت بیشتری برخوردار است که البته در بعضی از مواقع مدارک را برداشته و در اتاق پذیرایی مطالعه می‌کند» (مورد  $H_2$ ).

**۲.۲.۳. مکانمندی تصویر ذهنی از پدر در حضور جمعی:** همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده شد، میزان حضور پدر در حالت جمعی دارای مکان‌مندی بیشتری نسبت به حالت فردی فعالیت‌های مشابه می‌باشد. در حقیقت، این امر نشان‌دهنده این واقعیت است که سنت‌های خانوادگی در میان جمع، پایین‌تری از حضورهای متکی به خود (انفرادی - یکی از اعضای خانواده) دارد. این واقعیت را می‌توان از دو زاویه مورد بحث قرار داد؛ موضوع اول، به نگاه متأخر و در عین حال شایعی باز می‌گردد که جامعه‌شناسانی نظیر پارسونز - که تأثیر بسیاری روی جامعه‌شناسی معاصر دارند - آن را بسط داده‌اند: پارسونز، خانواده را یک پاره نظام از نظام کل جامعه می‌بیند (نه یک اجتماع کوچک، بریده و منفک از جامعه - امین مجد و همکاران، ۱۳۸۹، ۹۸). از این رو خانواده و نقش هر یک از اعضای آن را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن تأثیرات بیرونی در جامعه تحلیل و بررسی کرد. حال با در نظر گرفتن این واقعیت بیرونی و تطبیق آن با زمینه، مسأله قدری روشن‌تر می‌گردد؛ موضوع دیگر تحلیل متداول جامعه‌شناسان است که اینگونه امور را در امتداد شیوه نگاه سنتی به مسأله خانواده - حاکمیت پدر در خانواده و فرهنگ پدرسالاری در سنت ایران - در عین تغییرات ساختاری در جامعه متأخر ایرانی تلقی می‌کنند؛ این در حالی است که در نمونه‌های کیفی مورد بررسی، توصیف مکان از سوی فرزند با نوعی «احترام» و «احساس غرور» نسبت به پدر است؛ مثلاً مخاطب خانه  $A_2$  مکان حضور پدر در جمع مهمان‌ها را چنین توصیف کرده است (تأکید از نگارنده است): «... اما بیشتر در میل‌های تک‌نفره می‌نشیند. حس صمیمیت و دوستی در این فضا زیاد است و با حضور پدر میان مهمان‌ها این صمیمیت، حتی افزایش نیز می‌یابد»؛ چنانکه گویا حضور پدر، جمع مهمانی را خانوادگی‌تر می‌کند: «تو لحظه اول همون جایی که پدرم تو جمع خانواده معمولاً اونجا میشینه به ذهنم میاد» (مورد  $H_2$ )؛ نزدیکی این مکان به آشپزخانه (مورد  $A_2$ )، کنار درب ورودی مهمانان به اتاق (مورد  $H_1$ ) و یا گوشه

## نتیجه

توجه و حتی نوعی معارضة با نقش‌های اصلی خانوادگی (نقش پدری و مادری) است و خانه عمدتاً به صورت مکان تقابل دو قطب زن و مرد تحلیل شده است؛ رشد ادبیات فمینیستی مسکن، و پیشینه چپ‌گرای علوم اجتماعی، کاملاً در این رویکرد تأثیر داشته است؛ لذا در جامعه اسلامی ایران، نیاز به مبانی دیگری برای

بررسی مکان‌مندی ذهنی و واقعی نقش‌های خانوادگی، نخستین گام اساسی برای تثبیت الگوهای رفتاری مبنایی خانواده، در حوزه عمل طراحی است؛ در فرهنگی که همچنان خانواده مبنای آن باشد، چنین امری ضرورتاً باید تبیین شده باشد؛ بررسی ادبیات رایج تحلیل اجتماعی خانه، نشانگر عدم

به جمع و تحقق آن در مکان‌های جمع‌گراست. حاشیه‌های مهم فضاهای جمعی و کانون‌های کناری، بیشترین ذهنیت بخشی را برای فرزندان داشته است. یافته‌های این پژوهش، ضمن آنکه مسیر را برای پژوهش‌های آتی در مورد ارتباط پدر - خانه بازتر می‌کند، می‌تواند راهنمای اولیه‌ای برای طراحی داخلی مبتنی بر رفتارهای خانوادگی دانسته شود. بررسی الگوهای مکان - رفتار پدر از دید همسر و خود پدر و نیز بصورت مطلق، پژوهش‌هایی است که باید در آینده برای تکمیل این کار انجام گیرد.

برنامه‌ریزی کالبدی برای تحقق نقش‌های خانوادگی، بخوبی حس می‌شود. پیمایش این نوشتار به دو صورت کمی و کیفی، گامی در این مسیر بوده است. آزمون کمی مکان‌مندی ذهنیت فرزندان از نقش پدری، نشان‌دهنده «جمع‌گرایی» و «آیینی» بودن این تصویر ذهنی است که الگویی کاملاً متضاد با تحلیل دوقطبی زن - مرد در ادبیات رایج نشان می‌دهد؛ پدر در الگوهای جدا از جمع و فردگرایانه، کمتر ذهنیت بخش بوده است؛ تحلیل کیفی موارد بارز پیمایش کمی نیز، نمایشگر نقش آیینی و حفاظتی پدر نسبت

## پی‌نوشت‌ها

جستاری در فرآیند ایده‌پردازی چند معمار از جامعه حرفه‌ای کشور، هنرهای زیبا. معماری و شهرسازی، ۱۷(۲)، صص ۵-۱۴.

Alexander C; Ishikawa S & Sliverstein M (1977), *A Pattern language*, Oxford University press, New York.

Andersen, Arnfinn J (2014), Making space for fatherhood in gay men's lives in Norway, *Fatherhood in the Nordic Welfare States: Comparing Care Policies and Practice*, Editors: Guðný Björk Eydal & Tine Rostgaard, Policy Press at the University of Bristol, Bristol, 231-250.

Baydar, G (2005), Figures of wo/man in contemporary architectural discourse, Chapter 2 in *negotiating domesticity: spatial productions of gender in modern architecture*, edited by: H. Heynen and G. Baydar, Routledge, UK, 30-46.

Bianca, S (2000), *Urban Form in the Arab World: past and present*, vdf, Zürich.

Dovey, K (1999), *Framing places: mediating power in built form*, Routledge, London.

Friedan, B (2000), Excerpts from 'The Problem that Has No Name', Chapter 5 in *Gender space architecture: an interdisciplinary introduction*, edited by: J. Rendell, B. Penner & I. Borden, Routledge, London, 33-44.

Genereux R. L; Ward L.M; and Russell J. A (1983), The Behavioral Component in the Meaning of Places, *Journal of Environmental Psychology*, 3(3), 43-55.

Hayden, D (1981), *the Grand Domestic Revolution*, MIT Press, Massachusetts.

Helferich C (2012), *Fatherhood as a transformation of masculinity, Fatherhood in Late Modernity: Cultural Images, Social Practices, Structural Frames*, Editors: M. Oechsle, U. Müller & S. Hess, Verlag Barbara Budrich, Opladen, 147-164

Heynen H and Baydar, G (2005), Gendered subjects, *Negotiating domesticity: spatial productions of gender in modern architecture*, edited by: H. Heynen and G. Baydar, Routledge, UK, pp. 47-8.

Hobson, B & Morgan D (2004), Introduction: *making men into fathers, Making Men into Fathers, Men, Masculinities and the Social Politics of Fatherhood*, Editor: Barbara Hobson, UK: Cambridge University Press, UK, 1-21.

Oechsle M; Müller U & Hess S (2012), *Fatherhood in late modernity, Fatherhood in Late Modernity: Cultural Images, Social Practices, Structural Frames*, Editors: M. Oechsle, U. Müller & S. Hess, Verlag Barbara Budrich, Opladen, 9-36.

Overy, P (1997), the Cell In The City, Chapter 6 in *Architecture and cubism*, edited and with an introduction by E. Blau and N. J. Troy, Centre Canadien d'Architecture /Canadian Centre for Architecture and Massa-

1 Material Feminists.

2 Law of the Father.

3 Affordance.

۴ روش‌های مشابهی برای مطالعه نسبت معنای مکان و رفتارها در پژوهشی متقدم از سوی ژنرو، وارد و راسل (Genereux, etal., 1983, 43) توصیه شده است.

5 Value.

## فهرست منابع

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۰)، *علل الشرائع*، ترجمه ذهنی تهرانی، انتشارات مؤمنین، قم.

امین‌مجد، زهرا و کرمی، محمدتقی (۱۳۸۹)، الگوی تقسیم جنسیتی نقش‌ها در خانواده (خانواده هسته‌ای از دیدگاه پارسونز)، *فصلنامه علمی - ترویجی بانوان شیبه*، سال هفتم (۲۳)، ۱۳۰-۹۵.

آزادارمکی، تقی (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، چاپ چهارم، انتشارات سمت، تهران.

آزادارمکی، تقی؛ شریفی‌ساعی، محمدحسین؛ ایثاری، مریم و طالبی، سحر (۱۳۹۰)، *سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران*، در *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، دوره ۲ (۲)، صص ۱-۳۴.

بهنام، جمشید (۱۳۸۳)، *ایرانیان و اندیشه تجدد*، نشر و پژوهش فرزنان روز، تهران.

راپوپورت، ایمس (۱۳۸۲)، *خاستگاه‌های فرهنگی معماری*، ترجمه: صدف آل رسول و افرا بانک، خیال، *فصلنامه فرهنگستان هنر*، (۸)، صص ۹۷-۵۶.

زرکش، افسانه (۱۳۸۸)، *عوامل مؤثر بر معماری بناهای خصوصی در معماری معاصر ایران: سال‌های ۸۵-۱۳۵۷*، کتاب ماه هنر، فروردین ۱۳۸۸، صص ۳۸-۲۸.

ساروخانی، باقر (۱۳۹۱)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، چاپ پانزدهم، انتشارات سروش، تهران.

سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۱)، *مرزها در خانواده از دیدگاه اسلام و مکتب ساخت‌نگر، روش‌شناسی علوم انسانی*، (۳۱)، صص ۱۱۰-۹۲.

شهری، جعفر (۱۳۷۱)، *طهران قدیم*، ج ۴، انتشارات معین، تهران.

قاسم‌زاده، مسعود (۱۳۸۹)، *جایگاه پایه‌ای اتاق در طراحی مسکن، هنرهای زیبا. معماری و شهرسازی*، ۴۱، صص ۵-۱۶.

کولیور رایس، کلارا (۱۳۶۶)، *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*، ترجمه: اسدا... آزاد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد.

گروت، لیندا و وانگ، دیوید (۱۳۸۴)، *روش‌های تحقیق در معماری*، ترجمه: علیرضا عینی‌فر، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.

منصوریان، محمدکریم و قادری، فرحناز (۱۳۸۱)، *عوامل مؤثر بر ساخت قدرت در خانواده ایرانی (مورد شهر شیراز)*، *مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، (۳۱)۲، صص ۲۹۴-۲۶۹.

ندیمی، حمید و شریعت‌راد، فرهاد، (۱۳۹۱)، *منابع ایده‌پردازی معماری:*

by Eric Dluhosch, The MIT Press Cambridge, Massachusetts.

Tuan, Yi-Fu (2007), Architectural space and awareness, *Housing and dwelling: perspectives on modern domestic architecture*, edited by: Barbara Miller Lane, Routledge, London, 77-81.

Weisman, Leslie K (2000), Women's Environmental Rights: A Manifesto', Prologue in *Gender space architecture: an interdisciplinary introduction*, edited by: J. Rendell, B. Penner & I. Borden, Routledge, London, 1-5.

Woolf, V (1977), *A Room of One's Own*, Grafton, London.

Worsley, L (2011). *If Walls Could Talk: an Intimate History of the Home*, Walker & Company, New York.

Massachusetts Institute of Technology, Cambridge & Montreal, 117-140.

Rice, C (2007), *the Emergence of the Interior: Architecture, Modernity, Domesticity*, Routledge, Oxon.

Rosner, V (2004), *Modernism and the architecture of private life*, Columbia University Press, USA.

Seward, Rudy R. & Stanley-Stevens, L. (2014), Fathers, Fathering, and Fatherhood Across Cultures, *Parenting Across Cultures Childrearing, Motherhood and Fatherhood in Non-Western Cultures*, Editor: Helaine Selin, Springer Science+Business Media Dordrecht, Heidelberg, 459-474.

Teige, K (2002), *the minimum dwelling*, [Originally published as *Nejmens'í byt* by Václav Petr, Prague, 1932], translated and introduced

